



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماریترم: ...دوم ...سال تحصیلی: 1398- 1399
نام درس جامعه شناسی معماری..... نام و نام خانوادگی مدرس:.....**شاهین امیرشقایق**
آدرس email مدرس:.....**mystudent20@gmail.com**...تلفن همراه مدرس:.. تماس از طریق ایمیل و
تشکیل گروه تلگرام توسط یک نماینده ایدی تلگرام telegram.me/tiktakeomr

جزوه درس:..... مربوط به هفته : هشتم □ نهم ■ دهم □
text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■
power point: دارد □ ندارد ■
تلفن همراه مدیر گروه :

5- طراحی شهری و روان شناسی محیط

5-1 طراحی شهری و روان شناسی محیط:

طراحی فضاهای شهری مساله ای است که متخصصان امر در مورد چگونگی انجام آن هنوز اتفاق نظر کامل ندارند (بحرینی، 1375) و به همین سبب نیاز به راهکاری جدید در طراحی شهرها روز به روز بیشتر توسط مردم، مدیران شهری و طراحان شهر مورد تاکید قرار می گیرد. مجموعه مقالات جالبی که در ابتدای این دهه (دسامبر 1990) در مجله برنامه ریزی شهری و روستایی در انگلستان منتشر گردید رشته اندیشه های گوناگونی را که در برنامه ریزی و طراحی شهرهای آینده مورد توجه قرار خواهد گرفت به خوبی نشان داد. مقاله محیط سبز شهری (EC, 1990) توسط کمیسیون جوامع اروپایی مثال دیگری بر توجه روزافزون به دیدگاه های جدید است. به موازات ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی که به طور سنتی اساس تصمیم گیری های شهرسازی را تشکیل می داده است، حفاظت و ارتقاء محیط زیست امروزه به عنوان یک نیاز اساسی برای شهرسازی مطلوب در نظر گرفته می شود. همه این عوامل باید نقشی در طراحی و برنامه ریزی شهرها داشته باشند. از نظر برنامه ریزان و طراحان مساله این است که این ملاحظات چنان با یکدیگر تلفیق شوند که فضای حاصل رضایت استفاده کنندگان آن را فراهم سازد. اینجاست که نقش مهم روان شناسی محیط مشخص می شود. متخصصان چنین رشته هایی به خوبی قادرند براساس تحقیقات خود خصوصیات یک فضای رضایت بخش را در طیف گسترده شرایط مختلف که طراحی شهر با آن سر و کار دارد برشمارند.

اغلب مطالعات مربوط به مسائل شهری به خودی خود کفایت نمی کند و معمولاً این طراحی شهری است که باید اقدام به خلق آن چنان فضای واقعی بنماید که برای مردم قابل زندگی باشد. مساله این است که این طراحان چگونه می توانند اطلاعات مورد نیاز خود را جهت ایجاد بستر مناسب برای زندگی انسان به دست آورند. این موضوع در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته و خصوصاً به این نکته پرداخته می شود که روان شناسان محیط چه نقشی در تدارک این اطلاعات می توانند به عهده بگیرند. علاوه بر آن در اینجا به برخی از مسائل مورد نظر طراحان شهری و همچنین روش هایی که طراحان جهت خلق ایده های جدید از آن ها استفاده می کنند اشاره خواهد شد.

شهرها اندام های پیچیده ای هستند که در واقع هرگز به درستی شناخته نشده اند. تاثیر شهرهای کنونی بر مردم و کیفیت زندگی آنها، بر منابع طبیعی و بر محیط کالبدی و طبیعی از بسیاری جهات مخرب بوده است. ولی با وجود این ادامه و حتی تشدید سیل مهاجرت از روستاها به شهرها در اکثر نقاط دنیا به نظر می رسد که

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل 4 صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



صرف نظر از این که چگونه توسعه شهرها را برنامه ریزی کنیم تقریباً توان توقف و یا مقابله با این تخریب را نداریم. روش های شهرسازی سنتی موفق به حل مسائل شهرها نشده و به همین علت فکر یک شهرسازی متفاوت و متکی به راهکارهای جدید در حال شکل گیری است. فلسفه مشترک همه این تفکرات جدید این است که شهرسازی آینده در اطراف محور یک نحوه زندگی پایدارتر دور بزند. پایداری در اصل به معنی محدود کردن زیان های زیست محیطی و فعالیت در چارچوب محدودیت های تحمیل شده محیط کالبدی و طبیعی و عوامل اقتصادی و اجتماعی است.

از نظر اصولی، پایداری بر پایه این مفهوم ساده قرار گرفته که طبیعت برای هر کاری که مردم روی زمین انجام می دهند محدودیت ایجاد می کند و این که هر تصمیمی که در مورد تغییر کاربری یعنی نحوه استفاده و اداره زمین و یا تغییر عناصری که محیط را تشکیل می دهند گرفته شد و تاثیراتی نه تنها بر جنبه های خاصی از محیط، بلکه بر کل محیط نیز می گذارد. بر همین اساس یک حرفه و رشته علمی جدیدی به وجود آمده تحت عنوان برنامه ریزی محیطی که سعی دارد پیوند بین انسان، زمین و طبیعت را برقرار سازد. برنامه ریزی محیطی که گاهی نیز برنامه ریزی منظر نامیده شده نوعی نگرش و یا دیدگاه فلسفی به برنامه ریزی است که قابل کاربرد به شهرها و روستاها می باشد. این دیدگاه در حقیقت راهکاری است که برنامه ریزان، مدیران و مردم را به این امر واقف می سازد که تصمیمات مربوط به برنامه ریزی کاربری و مدیریت زمین باید براساس شناخت هر چه بیشتر از تعامل بین انسان و طبیعت استوار باشد. این دیدگاه برخلاف نظام های شهرسازی متداول در غرب تصریح می کند که توجه به ملاحظات محیطی همیشه باید در اولویت قرار داشته باشد. برنامه ریزی محیطی می خواهد اطمینان حاصل کند که هر نوع کاربری جدید در محلی قرار گیرد که حداقل خسارت زیست محیطی را به بار آورده و به گونه ای صورت گیرد که مدیریت محیط جدید حتی المقدور به ارتقاء محیط و کیفیت زندگی بینجامد. بنابراین، این رشته همان قدر با مردم و نیازهای آن ها در ارتباط است که با محیط کالبدی و طبیعی که بستر تامین این نیازها را فراهم می سازد. و همانقدر با نقشی که ادراک محل در زندگی روزمره ما بازی می کند مربوط می شود که با شناخت ضروریات معمول اقتصادی و اجتماعی در ارتباط است.

راهکار برنامه ریزی محیطی درمورد شهرها این امکان را فراهم می کند که کلیه تصمیم گیرندگان اعم از برنامه ریزان، مدیران، اقتصاددانان و کسانی که در مباحث اجتماعی فعالیت دارند، اموری نظیر نیاز به هوای پاک، آب سالم، اختصاص زمین کافی جهت تولید مواد غذایی و حفاظت از منابع محدود طبیعی را در فرآیند برنامه ریزی به منظور تحقق شهر پایدار مدنظر قرار دهند. عواملی که اغلب در ادبیات پایداری کمتر به آن توجه شده است، عوامل اجتماعی و خصوصاً ادراک انسان از کیفیت زندگی در محیط های شهری است. این که مردم تا چه حد از آنچه برنامه ریزان محیطی و طراحان به هنگام حل مسائل فضایی تولید می کنند راضی هستند، جای بحث زیادی دارد. ادبیات وسیعی در مورد رابطه و پیوند بین ادراک محلی و میزان رضایت مردم از فضا و محل به وجود آمده است. این همان موضوعی است که باید در فرآیند برنامه ریزی محیطی ادغام شده و در دسترس برنامه ریزان و طراحان محیط قرار گیرد. از طرف دیگر نتیجه فعالیت های روان شناسی محیط نیز به ندرت



تاثیر در چگونگی برنامه ریزی و طراحی شهرها داشته است. این گروه سال ها است که بر روی ادراک شهرنشینان از کیفیت زندگی روزانه آن ها و عکس العمل در برابر آن مطالعه کرده اند لیکن این مطالعات کوچک ترین تاثیری در طراحی اجزاء و عناصر شهری نداشته است. برخی از نویسندگان درصدد بر آمده اند که خلأ و فاصله موجود بین جنبه های نظری حاصل کار دانشمندان خصوصا جامعه شناسان و نیازهای طراحان را پر کنند. طراحان به دنبال کسب اطلاعات معتبری در مورد انواع محل هایی که برای مردم درست می کنند هستند، در نتیجه اغلب در به کار بستن نتایج تحقیقات روان شناسان محیط در پروژه های خاص طراحی محیط با مشکل روبرو می شوند. البته هیچ یک از دو طرف در این کار مقصر نیستند. مساله صرفا به تفاوت نگرش طراحان و دانشمندان مربوط می شود. نحوه برخورد طراح به ناچار از این جهت متفاوت است که الزامات اقتصادی پروژه ها انجام کار در چارچوب خشک محدودیت های مالی و زمانی را الزام آور می نماید. بنابراین بدیهی است طراح فرصت و امکانات لازم جهت انجام تحقیقات اساسی در مورد هر پروژه را ندارد. چنانچه طراح بخواهد از اطلاعات تهیه شده توسط روان شناسی محیط استفاده به عمل آورد، این اطلاعات باید به گونه ای باشد که بتواند به تصمیم گیری طراح در پشت میز طراحی کمک نماید.

در دسترس بودن نتایج تحقیقات روان شناسان محیط برای طراحان این نتیجه مهم را عاید خواهد کرد که طرح های آینده نسبت به نیازهای استفاده کنندگان حساسیت بیشتر را از خود نشان دهند. کار گرین بی (1981)، الکساندر و همکارانش (1977) و کاپلن و کاپلن (1982 و 1989) شناخت بیشتری را در مورد نوع سوالاتی که باید از جامعه شناسان و روان شناسان پرسید در اختیار شهرسازان و طراحان قرار داده است. نویسندگان دیگری همچون کوپر مارکوس و سرکیسیان (1986) که نتیجه طیف وسیعی از مطالعات مربوط به مسکن را گردآوری کرده اند، اطلاعات جامعه شناسی را به گونه ای تبیین کرده اند که قابل استفاده برای طراحان باشد. موسستین (1979) و هاریسون و برگس (1988) که اطلاعات موجود در مورد رفتار مردم نسبت به طبیعت و فضای باز در شهرها را مورد بررسی قرار داده و علاوه بر آن پروژه های تحقیقاتی متعددی را نیز در این زمینه انجام داده اند، اطلاعاتی را تولید کرده اند که مستقیما قابل به کارگیری در فرآیند طراحی و برنامه ریزی شهرها است.